

6. برخی از مصادیق مخالفت با اصول مسلم شریعت

الف) نقد و بررسی برخی روایات مبین ثواب یا عقاب

به دو متن ذیل توجه کنید :

یکم

«...با بودن این همه دعاهای معتبره مرویه با مضامین عالیه و کلمات فصیحه بلیغه دعائی بی ربط در کمال برودت جعل نمایند و نام او را «دعای حبی» گذارند و از کنگره عرش آن را نازل نمایند و چندان فضیلت برای او وضع نمایند که انسان را متحیر و سراسیمه نماید از جمله آن که العیاذ باللہ جبرئیل بحضرت رسول صلی الله علیه و آله از جانب حق سبحانه و تعالی گفته باشد که هر بنده‌ای که این دعا را با خود دارد او را عذاب نکنم اگر چه مستوجب جهنم باشد و عمر خود را به معصیت گذرانده باشد و مرا در هیچوقت سجده نکرده باشد من آن بنده را ثواب هفتاد هزار پیغمبر بدهم و ثواب هفتاد هزار زاهد و ثواب هفتاد هزار شهید بدهم و ثواب هفتاد هزار نماز گزار بدهم و ثواب هفتاد هزار برهنه که پوشانیده باشد، بدهم و ثواب هفتاد هزار گرسنه که سیر کرده باشد بدهم و ثواب بعدد ریگهای بیابانها بدهم و ثواب هفتاد هزار بقعه زمین بدهم و ثواب مهر نبوت رسالت پناه بدهم و ثواب عیسی روح الله و ابراهیم خلیل الله بدهم و ثواب اسماعیل ذبیح الله و موسی کلیم الله و یعقوب نبی الله و آدم صفی الله و جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل و فرشتگان بدهم یا محمد هر که این دعای بزرگوار حبی را بخواند یا با خود دارد بیامرزم او را و شرم دارم که عذاب کنم الخ و شایسته است که انسان از شنیدن اینها عوض خنده، گریه کند...»¹.

دوم

«...و الذی أقوله فی قوله - علیه السلام - : «من مثل مثالا» یعنی به آنه من أبدع بدعة و دعا الیها او وضع دینا فقد خرج من الاسلام...»².

نقد و بررسی این دو متن

متن اول از محدث متتبع شیخ عباس قمی است و مفاد آن انکار ترتب ثوابهای محیرالعقول برای کار کمزحمتی چون خواندن یا همراه داشتن یک دعاست. بگذریم که جناب ایشان شبیه این مفاد را نسبت به برخی دعاهای معتبر پذیرفته است. شاید به این جهت که دعای مورد بحث ایشان مجعول و بیان ثواب آن هم در نصی معتبر نرسیده است، لکن اگر دعا و نصّ مبین ثواب آن مشکل سند نداشت، با خیال راحت باید پذیرفت.

ما این فهم و مدیریت را قبول نداریم و در ادامه آن را نقد خواهیم کرد.

1. مفاتیح الجنان، در فقرات زیاد شدن بر زیارت وارث.

2. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 121.

متن دوم از جناب شیخ صدوق - قدس سره - است که با نظارت بر حدیث امیرالمؤمنین - علیه السلام - : «من جدد قبراً او مثل مثلاً فقد خرج من الاسلام»³ بیان کرده است. تفسیری که جناب ایشان از «مثل مثلاً» می‌کند با خروج از اسلام مناسبت دارد و الا صرف یک نقاشی ساده بدون هیچ پسوند و پیشوندی با این عقوبت تناسب ندارد.⁴ از این جا به یک اصل می‌رسیم و آن این که نمی‌توان به راحتی روایات غیر قطعی مبین ثواب‌ها یا عقاب‌های غیر متناسب با عمل و جرم را به راحتی پذیرفت و در این باره حداقل باید احتیاط کرد و علم آن را به اهلش واگذار نمود؛ هر چند به دلیل امکان اعمال تعبد در این موارد و عقلی محض نبودن مسأله، نباید به سرعت موضع سلب و نفی گرفت. فتامل.

ب) روایات تامین از عقاب با داشتن برخی صفات و حالات حتی در فرض ارتکاب گناه

از مواردی که به نظر ما مجالی است برای تامل جدی (بلکه و رد آن‌ها) برخی روایات است که به انسان‌ها تامین از عقاب می‌دهد هر چند شخص مرتکب معصیت‌های بی‌شمار گردد! متنی که محدث قمی نقل کرد، حاوی این مفاد (به نظر ما : باطل) بود!

به این روایت‌ها نیز توجه کنید :

قال ابو عبدالله - علیه السلام - : «...ان حُبنا اهل البيت لَيَحُطُّ الذنوب عن العباد كما تحط الريح الشديدة الورق عن الشجر»⁵ «حبّ علی - علیه السلام - حسنة لا يضر معها سيئة»⁶ «قال رسول الله - صلى الله عليه و آله - : اربعة انا الشفيع لهم يوم القيامة و لو اتوني بذنوب اهل الارض معين [المعين] لاهل بيتي و القاضى لهم حوائجهم عندما اضطروا اليه و المحب لهم بقلبه و لسانه و الدافع عنهم بيده»⁷.

نقد و بررسی

بدون شک نقش عظیم محبت اهل بیت - علیهم السلام - قابل انکار نیست لکن این که تامین خاطری به انسان داده شود که اگر با گناه اهل زمین بمیرد در برزخ رها است و هرگاه وارد محشر شود از شفاعت (و قاعدتاً : شفاعت مقبول) رسول گرامی - صلی الله علیه و آله - برخوردار است مخالف بی‌شماری از نصوص روایی و آیات قرآن است که بر لزوم اقتران عمل صالح با ایمان در نجات انسان تأکید دارد.

3. همان، ص 120، ح 579.

4. ر.ک : نیز بحار الانوار، ج 82، ص 18.

5. همان، ج 27، ص 77.

6. ر.ک : فضایل شاذان بن جبرئیل، ص 96.

7. بحار الانوار، ج 27، ص 77 و 78.